

دکتر جلال‌الدین مجتبوی

گروه فلسفه

بعد از وفات تربت ما در زمین بجوی

در سینه‌های مردم عارف مزار ما است

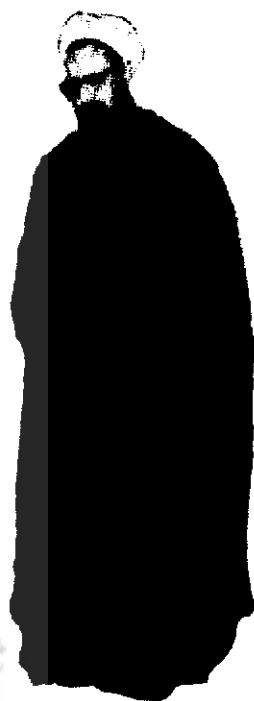
به یاد استاد مطهری

استاد شهید علامه مرتضی مطهری، پیرو راستین مکتب علی علیه السلام بود. آن امام بزرگ جامع کمالات انسانی از ایمان و علم و خداپرستی و تقوا و عدالت و شجاعت و جهاد و فداکاری در راه حق و آموزگاری بشر و دیگر فضائل در بالاترین مرتبه بود. و این پیرو شایسته آئینه کوچکی از آن نمونه بزرگ می‌نمود.

در این گفتار کوتاه بر آن نیستم که سرگذشت زندگی و دوران دانش‌اندوزی و نام استادان و شرح آثار و فعالیت‌های آموزشی و دینی و اجتماعی او را باز گویم، بلکه می‌خواهم تصویری هر چند ناقص از شخصیت و مقام علمی و فلسفی و تا اندازه‌ای اخلاقی

وی را ترسیم نمایم و این مختصر را وسیله‌ای سازم برای ترغیب و تشویق جوانان مستعد و آماده در ادامه راه او.

شخصیت علمی استاد مطهری دارای جنبه‌ها و ابعاد متنوع فلسفی و دینی و اجتماعی و تسلط در علوم اسلامی از فقه و اصول و حدیث و عرفان و کلام و تفسیر قرآن و علم اخلاق است که در همه اینها نه تنها استادی و مهارت داشت بلکه صاحب نظر بود. در فلسفه علاوه بر شناسایی کامل نحله‌ها و حوزه‌های فلسفه اسلامی از مشائی و اشراقی و تألیفی و داشتن نیروی ابتکار و مشکل‌گشایی و حل



معضلات، افکار و آراء فیلسوفان غربی و مکتبها و مذهبهای فلسفی مغرب زمین رابخوبی می شناخت و در این راه کوشش و مطالعه دقیق و وسیع می کرد. اینک بجاست که شمه‌ای از همین جنبه فلسفی شخصیت علمی او گفته آید.

فعالیت فلسفی. مرحوم مطهری، چنانکه از زبان استادشان علامه طباطبائی و همچنین از زبان همدرسشان آیه الله منتظری شنیدیم. هوش و فراست فوق العاده داشت. اما در طریق علم و فلسفه. داشتن هوش و استعداد بتنهایی کافی نیست، و فقط یک وسیله است. وسائل دیگر عشق و علاقه و دقت و ممارست و مداومت در کار و تسلط بر خویشتن است. بخصوص که تعلم و تعمق در فلسفه اسلامی، همچون غوطه خوردن در دریامشکل است و طاقت فرسا.



در فلسفه غربی، بیش از دو یست سال است که محققان متخصص در کشورهای مختلف کار کرده اند و هزاران اثر تحقیقی درباره مطالب و مسائل فلسفی پدید آورده اند بطوری که در هر زمینه ای می توان به آسانی به آنها رجوع کرد. مثلاً در تاریخ فلسفه چندان کار کرده و کتاب نوشته اند که آراء و عقاید هر فیلسوف

غربی با شرح و تفسیر و تحلیل در دسترس هر جوینده‌ای هست. اما در فلسفه اسلامی هنوز آثار فلسفی مابتمامی چاپ و نشر نشده و در دسترس نیست تا چه رسد به ترجمه و تحقیق و تحلیل و شناخت درست و موثق آراء و عقاید هر يك از فلاسفه اسلامی در حوزه‌های گوناگون فلسفی. بنابراین دانشجوی فلسفه اسلامی نخست باید به زبان عربی تسلط یابد بعد منطق بخواند سپس از متون ساده شروع کند و آنگاه متون خود حکما را نزد استاد فرا گیرد. پس از آن معدودی در این رشته به مرتبه تبهر و استادی می‌رسند. لیکن غالب اینان از فلسفه غربی چندان اطلاع مبسوط و معتبری ندارند که بتوانند میان این دو نوع فلسفه تطبیق و مقایسه کنند و دریابند که راه‌گشایها و ابتکارات فیلسوفان و حکمای ما چیست. آیادرمواردی که فلاسفه اروپائی به بن بست رسیده‌اند و نتوانسته‌اند مشکلات را حل کنند حکمای اسلامی توانسته‌اند یانه؛ استاد مطهری با هوش و تیزبینی بخوبی دریافت که فلاسفه غربی در بسیاری از مسائل فلسفی به بن بستها و مشکلات برخورد کرده‌اند و معتقد بود که راه حل این مشکلات را می‌توان در فلسفه اسلامی یافت اما در این مورد فلاسفه مغرب زمین را کوچک نمی‌شمرد و می‌گفت بعضی فکرمی‌کنندگان که این فیلسوفان که به مشکلاتی برخورد کرده‌اند پس سعی بیحاصل کرده‌اند و کاری انجام نداده‌اند و حال آنکه چنین نیست. فرق است بین کسی که پائین کوه ایستاده و قدمی برنداشته و کسی که از کوه بالا رفته اما نزدیک قله پایش لغزیده، او راه را رفته و هموار کرده منتهی ممکن است به مقصد نرسیده باشد. مثلاً کانت بررسی دقیقی درباره ذهن انسان و معانی و مفاهیم کرده و اگر اشتباهی کرده ناشی از رسیدن به يك حقیقت و واقعیت بوده منتهی ممکن است بگوئیم که نتوانسته آن را توجیه کند. با این وصف بعضی از فلاسفه غرب مثلاً راسل را سطحی و حتی کج اندیش می‌دانست.

تطبیق و مقایسه فلسفی. در فلسفه تطبیقی و مقایسه‌ای، که جنبه ابتکاری فعالیت فلسفی استاد مطهری بیشتر در این قسمت است، زیر نویسهای مفصل و

مشروح کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» نخستین کار او در این زمینه بود که در خلال آن بحثها برخی از ابتکارات فلسفه اسلامی و راه حل مشکلات و مسائل فلسفی را عرضه نمود. پس از آن درباره بعضی از مسائل پیچیده فلسفی مانند عدل الهی و قضا و قدر و جبر و اختیار که در فلسفه غربی به عنوان مشکلات تقریباً لاینحل تلقی می شد، کتابهای «عدل الهی» و «انسان و سرنوشت» را نوشت و آن مسائل را بحث و تحلیل کرد.

در کتاب «علل گرایش به ما دیگری»، که تنها کتابی است که استاد سرگذشت عقلی و روحی خود را در آن می نگارد، نارسائیهای مفاهیم فلسفی غرب و دیگر علل گرایش به ماتریالیسم را نشان داد. در مقدمه این کتاب سرگذشت ماتریالیسم را در ایران بیان نموده است. در صفحه ۶ می نویسد: «ماتریالیسم در عصر ما، خصوصاً در کشور ما، جامعه منطبق را از خود دور کرده و به سلاح «تبلیغ» مجهز شده است. از اینرو ابائی ندارد که علل گرایشها و اعراضها از مادیگری را به گونه ای دیگر که با هدفهای از پیش تعیین شده سیاسی و اجتماعی منطبق باشد توجیه و تفسیر نماید. در صفحه ۱۰ می نویسد: «کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم که در بیست ساله اخیر نقش تعیین کننده ای در ارائه بی پایگی فلسفه مادی برای ایرانیان داشته است در آن مجمع پربرکت پایه گذاری شد» (منظور، حوزه درس خصوصی با علامه طباطبائی برای بررسی فلسفه مادی است). آنگاه در همان صفحه می نویسد: «هر فردی که عمیقاً فلسفه الهی را درک کند و بفهمد، تمام تفکرات و اندیشه های مادی را نقش بر آب می بیند و تا امروز که بیست و شش سال از آن تاریخ می گذرد و در همه این مدت از مطالعه این دو فلسفه فارغ نبوده ام روز به روز آن عقیده ام تأیید شده که فلسفه مادی فلسفه کسی است که فلسفه نمی داند.»

آنگاه (در صفحه ۱۲) توجه می کند که چگونه و چرا مسائل فلسفی در کتب ماتریالیستها بصورت انحرافی طرح می شود. در صفحه ۱۳ پرده از این راز

برمی دارد: «طولی نکشید که راز و رمز این گونه طرح کردنها از طرف مادیین بر من روشن شد. آن راز چه بود؟ یک چیز، یک چیز بسیار ساده: ضعف منطق مادیین و ترس آنها از مواجهه با مسائل در چهره اصلی.» و سرانجام در صفحه ۳۵ آغاز و پایان ماتریالیسم را در ایران چنین خلاصه می کند: «ماتریالیسم در شکل جدید که کمتر از نیم قرن است در ایران برای خود جای پائی پیدا کرده است، در ابتدا نه منطق الهیون را در سطحی که بعد با آن مواجه شد پیش بینی می کرد و نه مذهب را در میان عموم طبقات و بالاخص توده ها این اندازه ریشه دار می دانست. می پنداشت به سادگی می تواند حریف را، هم از میدان منطق و استدلال و هم از صحنه اجتماع خارج سازد. اما در عمل این حساب غلط از آب درآمد.»

استاد مطهری در بسیاری از درسها و بحثهای خود نقائص و نارسائیهای فلسفه غربی را بیان می کرد و مشکلات فلسفی و شبهات کلامی را پاسخ می داد (۱). یکی از بحثهایی که در درسهای آن مرحوم بسیار قابل استفاده بود بحث «شناخت شناسی» یا رابطه ذهن و خارج است که از این طریق بسیاری از مسائل و مشکلات فلسفی روشن و حل می شود و این درسها باید بصورت مقالات در دسترس پژوهندگان فلسفه قرار گیرد.

فلسفه اجتماعی و سیاسی: استاد شهید مطهری با ایمان کامل به کارآیی اسلام و تعالیم و احکام آن و اینکه دین و سیاست همبستگی دارند اعتقاد داشت که می توان بانکیه به اسلام و الهام از مکتب نجات بخش آن که بخصوص در فرهنگ مردم ماریشه های عمیق دارد، بطوری که نه تنها مؤمن به آن که بلکه آماده فداکاری در راه آن هستند، جامعه ای مستقل و آزاد و سعادتمند و با فضیلت ساخت و واضح است که این عقیده و نظر مانند اندیشه مدینه فاضله افلاطون نیست که فقط جنبه

۱- در کتاب «کلیات فلسفه»، ترجمه نویسنده این سطور، چنانکه در مقدمه آن یادداشت کرده ام، پاسخ و راه حل بعضی از مشکلاتی که فلاسفه غربی به آنها برخورد کرده اند یا احياناً در برخی مسائل بیراهه رفته اند با بیان استاد مطهری آورده شده است.

ایدئالی و آرمانی داشته باشد. اندیشه‌ای است قابل تحقق که سعادت و کمال بشر موقوف به آن است. زیرا اسلام امتحان خود را در شایستگی برای اداره جامعه داده و انحراف از اسلام است که مصالح جامعه را دستخوش آفات و لطمات و خسارات می‌سازد. برای نیل به این مقصود در سال اخیر تلاش و کوشش اوشدت یافت و سهم و نقش مهمی در نهضت و انقلاب اسلامی ایران ایفا کرد. استاد مطهری در دفاع از ایدئولوژی اسلامی تسلط و توانائی فوق العاده داشت. منطق رساو متین و استدلال محکم و بینش جامع او افراد و گروه‌های ضد اسلامی را به ترس و نگرانی انداخته بود. او معتقد بود و استدلال می‌کرد که عقاید و احکام و اخلاق و نظام اجتماعی اسلام برتر از هر مکتب دیگری است. با این حال به شناخت افکار و مسلکها و مکتبهای دیگری پرداخت و بخوبی آنها را درک می‌کرد، آنگاه ایدئولوژی و نظام اسلامی را با آنها مقایسه می‌نمود و مزایای نظام اسلامی را نشان می‌داد. از جمله آثار او در دفاع از ایدئولوژی اسلامی می‌توان کتابهای خدمات متقابل اسلام و ایران. نظام حقوق زن در اسلام، سلسله گفتارهای جهان بینی اسلامی، بیست گفتار و ده گفتار و نوشته‌های دیگر را یاد کرد.

نهضت فکری اسلامی: نتیجه همین اندیشه‌ها و کوششها را می‌توان یکی از کارهای مهم او یعنی بنیادگذاری نهضت فکری جدیدی برای معرفی اسلام دانست. در صدساله اخیر متفکران برجسته و راهنمایان بزرگ فکری و اجتماعی و سیاسی در عالم اسلامی و از جمله در ایران ما به ظهور رسیدند و هر یک میراثی برای ما بجا گذاشتند و بهره‌ما از آنها بستگی دارد به اینکه آن موارد را بشناسیم و از آنها استفاده کنیم. میراث گرانبهای مطهری اینست که وی در دفاع از ایدئولوژی اسلامی روش منطقی و استدلالی را اساس کار قرار داد و در آثار قلمی و در گفتارهای خود این شیوه را همواره با سبک و اسلوبی منظم بکار می‌برد. در بیان افکار و عقاید مخالف، نخست آنها را بی طرفانه

و بیان می کرد آنگاه به رد و انتقادی پرداخت. در همه نوشته ها و گفتارهای او به افکار ابتکاری و راه گشا و آموزنده برمی خوریم، و به همین دلیل خواندن هر يك از آثار استاد بر انگیزنده تفکر و بالابرنده افق نگرش به مسائل است. بدین-سان می توانیم نکات مهم این جنبش فکری را چنین خلاصه کنیم:

اولاً، داشتن دید و جهان بینی وسیع و عمیق به مسائل و آگاهی از آراء و عقاید دانشمندان اسلامی و نظریات فلسفی و اجتماعی متفکران غرب.

ثانیاً، بکار بردن این آگاهی و جهان بینی برای عرضه ایدئولوژی اسلام و دفاع از آن به شیوه منطقی و استدلالی.

ثالثاً، مجاهده و کوشش در فراهم کردن زمینه برای عملی ساختن و بکار بردن تعالیم و احکام اسلام در جامعه.

کرامتهای اخلاقی. علامه شهید با همه بلندی مقام علمی همواره استادان خود را پاس می داشت و قدر می شناخت، بخصوص علامه طباطبائی و بالانحص امام خمینی. سخن پراحساس و آهنگ لرزان او را درباره امام شنیدیم که گفت یاد او قلبم را می لرزاند. در کتاب «علل گرایش به مادیگری» صفحه ۸ و ۹ از او چنین یاد می کند: «پس از مهاجرت به قم گمشده خود را در شخصیتی دیگر یافتم.. فکر کردم که روح تشنه ام از سر چشمه زلال این شخصیت سیراب خواهد شد.. درس اخلاقی که وسیله شخصیت محبوبم در هر پنجشنبه و جمعه گفته می شد و در حقیقت درس معارف و سیر و سلوک بود نه اخلاق به مفهوم خشک علمی، مرا سرمست می کرد. بدون هیچ اغراق و مبالغه ای این درس مرا آنچنان به وجد می آورد که تا دوشنبه و سه شنبه هفته بعد خودم را شدیداً تحت تأثیر آن می یافتم. بخش مهمی از شخصیت فکری و روحی من در آن درس- و سپس در درسهای دیگری که در طی دوازده سال از آن استاد الهی فرا گرفتم- انعقاد یافت.. راستی که او «روح قدسی الهی» بود.

در کتاب «نهضت های اسلامی در صدساله اخیر» پس از یاد نام و فضائل

روحی و اخلاقی استاد عالیقدر خویش ایشان را حسنه‌ای می‌داند که خداوند به قرن ما و روزگار ما عنایت فرموده، و می‌نویسد «قلم بی‌تابی می‌کند که به پاس دوازده سال فیض‌گیری از محضر آن استاد بزرگوار و به شکرانه بهره‌های روحی و معنوی که از آن منبع فضیلت و مکرمات کسب کرده‌ام اندکی از بسیار را بازگو کنم».

آنگاه اشعار مولوی را در فراق استاد و مراد خود می‌آورد.

یکی دیگر از فضائل اخلاقی او افاضه بی‌دریغ افکار و نظریات ابتکاری خود به دیگران بود. هرگز نمی‌اندیشید که فلان مطلب فلسفی یا دینی به نام چه کسی تمام شود؛ خواستار نشر حقیقت بود به نام هر کس که باشد. این معنی یادآور آزادگی و خلق و خوی فلاسفه بزرگ و دانشمندان وارسته است. روزها و ساعتها وقت غریز خود را در اختیار طالبان معرفت می‌گذاشت. در حین اشتغال به کار آموزشی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی چند جلسه درس در هفته در موضوعات مختلف مانند شرح منظومه سبزواری، بحث عقاید و نظریات فلسفی، اقتصاد اسلامی، و فلسفه تاریخ در منزل خود داشت. هفته‌ای دو روز برای تدریس اسفار و معارف قرآنی به قم می‌رفت و پیش از آن در مدرسه مروی تهران شفای ابوعلی سینا درس می‌داد. با این همه اشتغال، در مسائل گوناگون فلسفه و جامعه‌شناسی و علم سیاست و علوم اسلامی بسیار مطالعه می‌کرد و در عین حال نگاشتن کتب و مقالات را هیچگاه رها نمی‌کرد بطوری که قسمت مهمی از نوشته‌های او هنوز چاپ نشده و امید هست که در آینده منتشر شود. کسب فیض از محضر استاد احتیاج به التماس و ناز کشیدن نداشت و خانه و اطاق درس او به روی دانشجویان و دانش‌پژوهان باز بود. این نکته‌ای است قابل توجه که چنین فضیلتی، همراه ادب و تواضع و بی‌چشم‌داشت دنیوی و مادی، محصول دانشگاه‌های به سبک غربی نیست که غالباً جنبه مادیات بر آنها غلبه دارد. این فضیلت محصول حوزه‌های علمی اسلامی و حاصل کار استادان وارسته مکتب تشیع است.

از دیگر فضائل اخلاقی او و ارستگی و دل‌ن بستن به امور مادی و دنیوی، و عشق و علاقه ورزیدن به معنویت و اخلاق و ایمان بود. او عشق را با عقل و ایمان را با علم جمع کرده بود و در اوج این حالات به مطلوب خود یعنی شهادت رسید.

ضایعه درگذشت و شهادت استاد مطهری مصیبتی بزرگ بر جامعه و نسل جوان ما و بخصوص اهل دانش و فرهنگ اسلامی است. با فقدان او جامعه ما از وجود متفکری برجسته و فهیم و معلمی شریف و بافضیلت و دانشمندی بزرگ و فداکار محروم شد. وی در تعلیم و پژوهش فلسفه اسلامی استادی زبردست بود. نویسنده‌ای توانا و گوینده‌ای مجاهد و محقق پرکار و صاحب نظری آگاه، انسانی بی‌تکلف و متواضع و دارای فضائل اخلاقی بود. وسعت فکرش، جامعیت علمش، ایمان محکمش، ذوق سلیم و فهم مستقیمش، کار و کوشش شبانه روزیش، و ارستگی و کم‌نیازیش به امور مادی او را در ردیف حکما و علمای بزرگ اسلام قرار داده است. یاد او در دل دوستان و شاگردانش زنده و روشنی‌بخش خواهد بود. روانش شادباد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی